

خبرنامه

معاینه رایگان تشخیص آب‌مروارید سالمندان

یک خبر خوش برای سالمندان! سالمندان منطقه ۱۹ با دریافت معرفی‌نامه اداره سلامت شهرداری منطقه می‌توانند از خدمات رایگان بینایی‌سنجی استفاده کنند.

سالمندان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر بیشتر از هر گروه دیگری نیازمند مراجعه به پزشک هستند و به‌رهمندی از چنین خدماتی آن‌هم در محله‌های جنوبی شهر اقدامی است که با مشارکت شرکت شهر سالم شهرداری تهران و با هدف تکریم این گروه به اجرا درآمده است.
آنطور که «تورج فرهادی»، شهردار منطقه ۱۹، می‌گوید: «شناسایی و پیشگیری از بیماری‌های چشمی سالمندان، نظیر آب‌مروارید، رایگان برای سالمندان انجام می‌شود و آنها می‌توانند با دریافت معرفی‌نامه از اداره سلامت یا خانه‌های سلامت مستقر در سراهای محله ۱۳‌گانه به درمانگاه شهرداری این منطقه مراجعه کنند.»

با توجه به اهمیت شناسایی بیماری و اقدام به‌موقع آن، این طرح تا پایان سال استمرار دارد. این در حالی است که وزیرت رایگان تخصصی ماهانه نیز برای ۱۰ نفر از افراد کم‌تربرخوردار در کنار این طرح اجرا می‌شود.



خبر

قرار قشنگ اهالی آبخار

امسال برای سومین سال متوالی است که اهالی محله آبخار با بارش برف و خواب‌زمستانی خاک، هسته‌های میوه‌هایشان را در جنگل چیتگر می‌کازند. قرار قشنگ و آینه‌سازی که با جمع‌آوری هسته‌های میوه از زباله‌های خانگی اهالی آغاز شده و به کاشته‌شدن این هسته‌ها در دل جنگل و بوستان‌های منطقه ختم می‌شود. «سیده زهرا طالبیان»، مدیر سرای محله آبخار، درباره ایجاد باغ از هسته‌های دورریز میوه در منطقه ۲۲ می‌گوید: «این کار برای محیط‌زیست خوب است، اما باید مستمر و همراه با فرهنگ‌سازی باشد. در کنار آن باید خودمان هم الگویی برای دیگران باشیم و این ایده‌ها را اجرا کنیم. بسا آموزش‌های ما اهالی حتی زباله‌های تر خود را به کمپوست تبدیل می‌کنند. همچنین در مدت یک سال هسته‌های میوه‌های مصرفی‌شان را جمع می‌کنند و به سرسرای محله تحویل می‌دهند تا در زمان مقرر در زمین کاشته و تبدیل به نهال‌های میوه‌های مثمر و غیرمثمر شود.» حدود یک تا ۳ سال زمان می‌خواهد تا این هسته‌ها به نهال تبدیل شوند و البته نیاز به مراقبت و آبیاری به‌موقع دارند. اغلب هسته‌هایی که سال‌های گذشته کاشته‌شده، جوانه زده و به نهال‌های کوچک و زیبایی تبدیل شده‌اند. طالبیان می‌گوید: «با کاشت این هسته‌ها و تلاش برای آبیاری و محافظت از آنها برای تبدیل شدن به یک درخت، احساس تعلق بین شهروندان بیدار می‌شود و از منظر محیط‌زیستی هم این هسته‌ها از میوه‌های مصرفی که دور ریخته می‌شوند، جمع‌آوری و کاشته می‌شوند.»

همین حوالی

دوشنبه‌های ورزشی در باب‌الرضا

ورزش دوستان پارک فجر در افسریه، ۱۰ سالگی ایستگاه ورزش صبحگاهی محله‌شان را جشن گرفتند و کاش‌مان را با خوردن کیک تولد شیرین کردند.

واقمیت این است که مسئولان شهری پایتخت با علم به اینکه تشویق مردم به ورزش کردن باعث شادایی جامعه انسانی شهرنشین می‌شود سعی می‌کنند با برنامه‌هایی مثل راه‌اندازی ایستگاه‌های ورزش صبحگاهی و پوشش‌های متعدد، مثل پوشش دوشنبه‌های ورزشی، مردم را به انجام ورزش در بوستان‌ها تشویق کنند. منطقه ۱۵، باب‌الرضای تهران، نیز از جمله مناطق موفق در زمینه تشویق ساکنان به انجام ورزش همگانی است که در این راه هم الحق و الانصاف از ظرفیت مربیان و کارشناسان ورزشی خوب استفاده می‌کند. اهالی این منطقه از طرفداران پروریا قرص این ایستگاه‌ها هستند. منطقه پانزدهم‌های صبحگاهی را روشن نگه می‌دارند. در کنار آن در این ایستگاه برای تشویق شهروندان کارهای دیگری هم انجام می‌شود، مثل صرف صبحانه سالم به‌طور دسته‌جمعی و اهدای جایزه در مناسبت‌های مختلف به ورزشکاران و... . اینها را «همدی» اسماعیلی»، سرپرست معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه، گفت و اضافه کرد که در دهمین سال از راه‌اندازی ایستگاه ورزش صبحگاهی در بوستان فجر جشنی برگزار شد.



در تشر



مردمداری به شیوه احمدآقا

احمد قاسمی از نظر اهالی، فقط کارگر شهرداری نیست، بلکه یک شهروند وظیفه‌شناس است که دلش برای محله می‌تپد

داوید قبیل از هر سخنی احمدآقا را وظیفه‌شناس توصیف می‌کند: «در یکی از روزهای سرد هفته گذشته او را دیدیم که در حال تعمیر آبخوری بوستان است. از او پرسیدیم: تو این سرما چه نیازی به آبخوری هست؟ و او گفت: مردم پیام داده‌اند، نباید درخواست مردم روی زمین بماند.»

او فقط کارگر نیست

برای بسیاری از شهروندان و به‌ویژه افرادی که هر روز در بوستان‌های خوش، باز یافت، انقلاب جاوید، طرشت، از کیده و... حضور



خوشحالم شرمنده مردم نیستم
احمد آقا دلیل این رفتارش را علاقه به مردم و وجدان آسوده می‌داند؛ چون اگر نرده‌ای معیوب در بوستان باعث شود که پیرمرد یا بچه‌ای زخمی برود، نمی‌تواند خودش را ببخشد. از این رو، برای کارگر فضای سبز نواحی ۵ و ۶ شهرداری منطقه ۲ گرمای تابستان با سرمای زمستان فرقی ندارد. گرچه کالی‌هاش در فصل بارندگی بیشتر و در اوج بارش‌ها مجبور می‌شود شبانه‌روزی در محل کار و گاه در کوچه و خیابان‌ها باشد. او معتقد است که چون این کار را انتخاب کرده، باید مردم را راضی نگه دارد: «هر کاری بتوانم برای رضایت مردم انجام می‌دهم. حالا فرقی نمی‌کند با رفتن از تیر چراغ‌برق برای تعویض لامپ‌ها باشد یا هرس شاخه خشکیده درختان. با رسیدن عقربه‌های ساعت به ۴، ساعت کاری قاسمی هم به پایان می‌رسد اما کمتر زمانی او در این ساعت رخت کار از تن خارج کرده و کارت خروج زده است. چون گاه تماسی برقرار و مشکلی اعلام می‌شود. وقتی صحبت حقوق و در آمد هم می‌شود، خدا را شکر می‌کند و می‌گوید: «راضی‌ام. کارفرمای خوبی دارم و نمی‌گذارم ناراضی باشم. همین که شرمنده مردم نیستم خوشحالم.»

حاتم طایبی جوادیه

مر حوم جواد فر دانش به خیلی‌ها در جوادیه خانه و زمین بخشید و چند مسجد، مدرسه و حمام ساخت اما زمان مرگش یک ریال نداشت

گزارش روزنامه‌نگار رضانیکنام
جواد فر دانش سال ۱۲۹۴ در تهران به دنیا آمد. پدرش از تجار بزرگ‌زمان خود بوده است. ۷ سال درس خواند و یک دوره آموزشی را پشت سر گذاشت و در ۱۴سالگی توانست به‌عنوان مکانیک وارد یک کارخانه جوراب‌بافی آلمانی شود. از این نظر می‌توان او را یکی از نخستین تعمیرکارهای حرفه‌ای ماشین‌های صنعتی در ایران دانست. به‌گونه‌ای که هر جاهر ماشین صنعتی و خودروی خارجی که دچار مشکل می‌شد، سراغ او را می‌گرفتند. گوئی در آمد فوق‌العاده‌ای داشته، چنان‌که ششده‌ه‌م‌ه‌م در سال ۱۳۲۰، ماهانه هزار تومان حقوق می‌گرفت.

شاید جذاب‌ترین بخش زندگی فر دانش برای ما همین قسمت باشد؛ زمانی که به جوادیه آمد و نخستین خانه‌ها را در آن بنا نهاد. بخشی از زمین‌های جوادیه با پدرش به او وارث رسیده بود. بخش دیگرش متعلق به عمویش بود که «حاج آقا بزرگ» نام داشت. همو که هنوز قباب عکسش روی دیوار کشداری مسجد فر دانش او ریخته است. به هر حال، جواد فر دانش از عمویش و کالت گرفت تا زمین جوادیه را بفرودشد. از همان زمان، همکاری «علی اصغر دافرق»، مباشر شاروان فر دانش، با او آغاز شد. دادفر از نزدیکان همسر نخست فر دانش به حساب می‌آمد و به او معرفی شد تا کمکش کند. سال ۱۳۲۰ بود که ساخت‌وسازها در جوادیه شروع شد. آن زمان فر دانش، زمین‌ها را قطعه‌قطعه کرد و در اختیار مردم گذاشت. به برخی می‌بخشید و به برخی دیگر، از قرار متری یک تومان، ۲ تومان و ۵ تومان می‌فروخت، اما باز هم مصالح رایگان به آنها می‌داد. در همین گریور بود که نخستین جاهای آب‌را در زمین بایر جوادیه حفر کرد و چندین و چند مسجد، مدرسه و حمام ساخت که برخی از آنها تا همین امروز به جای مانده‌اند.

انگیزه‌هاش فقط کمک به مردم بود

گوئی از همین زمان بود که چهره سخاوتمندی از خود به نمایش گذاشت. حاج «بابر امعلی آزادی» می‌گوید: «ایشان حاتم طایبی بود... انگیزه‌اش فقط کمک به مردم بود. دلش می‌خواست خانواده‌ها را صاحب‌خانه کند. لذت می‌برد وقتی می‌دید دعایش می‌کنند. همین برایش کافی بود. هر چه در جوانی اندوخته بود، صرف همین کارها کرد. اهل محل همیشه در چهره‌اش کمک کردن و ایثار و بخشش و جوانمردی می‌دیدند و تا آخر عمرش هم همین جور باقی ماند.»

آزادی تعابیر جالبی را درباره او به کار می‌برد: «من ایشان را انسان بسیار بخشنده‌ای می‌دیدم. واقعاً نام جواد برزنده‌اش بود. واقعاً جوادیه را به مردمش بخشید. واقعاً هیچ چیز از مردم نگرفت. عده زیادی در جوادیه به ساکنند و صاحب خانه و زندگی شده‌اند، اما هنوز به آقای

بچه‌های مسجد

تعمیه سجادی؛ روزنامه‌نگار

جلسات قرآنی مسجدالنبی (ص) محله مشیریه ۲۵ساله شد

مسجدی که به نیازمندان وام می‌دهد

یکی از مساجد فعال پایتخت مسجدالنبی (ص) در محله مشیریه است. ججت‌الاسلام «قاسم قیادی» که نمازهای مغرب و عشا به امامت او در این مسجد برگزار می‌شود با این مقدمه به سراغ معرفی برنامه‌های متعددی می‌رود که به‌گفته‌او، اجرای آن در مسجدالنبی (ص) باعث شده جوانان و نمازگزاران زیادی جذب مسجد شوند. قیادی می‌گوید: «کلاس‌های ورزشی، علمی و... برای جوانان و جوانان برقرار است و در مناسبت‌ها و ایام شاد و عزاداری هم برنامه‌هایی داریم که با حضور و به همت جوانان محل آنها را اجرا می‌کنیم.» یکی از شاخص‌ترین برنامه‌های مسجدالنبی (ص) که به نام این مسجد ثبت و ماندگار شده جلسات قرآنی است که به کمک افراد خوشنامی نظیر حاج «اکبر ابراهیمی»، خیر مدرسه‌ساز و همچنین مساعدت حاج «رحیم خاکی» قاری قرآن، در عماهه اول سال از ساعت ۱۸ تا ۲۰ و در عماهه دوم نیز بعد از نماز مغرب و عشا برگزار می‌شود. «حسن خسروی» هم مدرس قرآن این کلاس‌هاست. جلسات قرآن مسجدالنبی (ص) که با حضور پرشور اهالی برگزار می‌شود، امسال ۲۵ساله شده است.

مسجدالنبی (ص) نیازمندان محله را هم فراموش نکرده و برای رفق نیاز مالی آنها تا آنجا که از دستش برمی‌آید کارهایی انجام می‌دهد. راه‌اندازی صندوق خیریه از جمله این کارهاست که به همت خیران محل چند سالی است در مسجد تشکیل شده تا گره کوچکی از مشکلات مالی اهالی را بر طرف کند. حاج آقا قیادی می‌گوید: «افرادی هستند که به مسجد می‌آیند و تقاضای کمک می‌کنند؛ مثلاً در تهیه جهیز به به در دسر افتاده‌اند یا مشکلی برایشان پیش آمده. به آنها وام می‌دهیم.» تأمین بسته‌های معیشتی و توزیع آن در ایام عید، ماه رمضان، شب یلدا یا اهدای لوازم‌التحریر در روزهای ابتدایی سال تحصیلی به خانواده‌هایی که دانش‌آموز دارند، از دیگر کارهای خیرخواهانه‌ای است که به‌گفته قیادی، در مسجدالنبی (ص) با کمک خود اهالی انجام می‌شود. او می‌گوید: «در روزهای ولادت پیامبر (ص) و (انمه‌ع) هم برنامه‌های شاد در مسجد برپاست.»



کار خوب

بهاره خسروی؛ روزنامه‌نگار

سنگ بنای این خیریه

در یک جشن تولد گذاشته شد

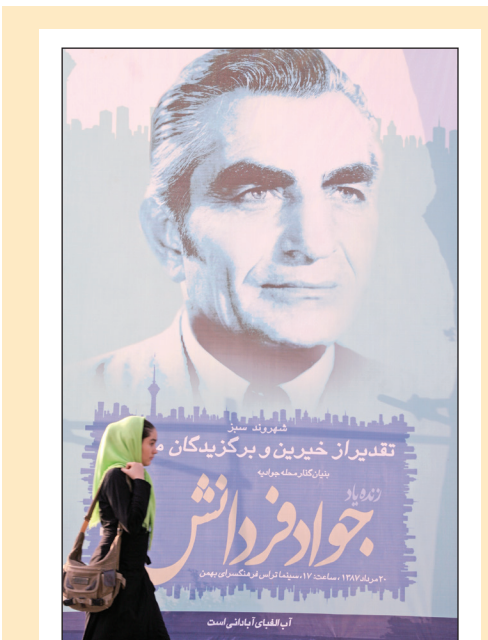
چند سال قبل در روز تولدش تصمیم متفاوتی گرفت تا آن روز از زندگی‌اش برای همیشه ماندگار شود. او همه هدایای روز تولدش را میان کودکان کار و نیازمندان تقسیم کرد و همین موضوع باعث شکل‌گیری یک خیریه شد. خیریه «بی‌نام» را یک گروه ۶نفره از اهالی محله مرتضوی تشکیل داده‌اند تا گرهی از کار نیازمندان بکنند. البته «سامان ندافی» بانی راه‌اندازی گروه، پیش‌تر هم اهل کار خیر بود، اما نه گروهی به این شکل منسجم و دائمی. او انگیزه‌اش را با یادی از پسر در حرمش چنین بیان می‌کند: «پدرم دست به خیر بود. افراد زیادی برای مراسم تدفین آمدند که آنها را نمی‌شناختم و در واقع پدرم آنها را حمایت می‌کرد. دوست داشتم نام پدرم را زنده نگه‌دارم و زنجیره کارهای خیرش قطع نشود. به همین دلیل ابتدا تنهایی سراغ نقالی‌های محل رفتم و از آنها خواستم اگر فرد نیازمندی حساب دفتری دارد، بی‌آنکه بدانند، حسابش را تصفیه کنیم.»

استفاده از جنبه مثبت فضای مجازی

او ادامه می‌دهد: «کم‌کم با یک گروه آشنا شدم که در بیمارستان روزیه به بیماران اعصاب و روان و خانواده‌های آنها کمک می‌کردند. برای فرزندان آنها جشن تولد می‌گرفتند یا برای بیماران برنامه‌های شاد و متنوع اجرا می‌کردند. همراه یک گروه خیریه شدم و مدتی همکاری کردم. اما ماجرای راه‌اندازی گروه خیریه به نام از شب تولد چند سال قبلم آغاز شد.» «ندافی» با بیان اینکه استفاده از فضای مجازی می‌تواند جنبه مثبت و منفی داشته باشد، می‌گوید: «من ترجیح دادم به نیمه پرلیوان همین دلیل یک سال روز تولدم تصمیم گرفتم تمام هدایای نقدی و غیر نقدی‌ام را را به نیازمندان هدیه‌کنم. موضوع را در صفحه اینستاگرام برای همه دوستان به اشتراک گذاشتم که مورد استقبال قرار گرفت.»

حال خوب

«منتهاب یاری» از دیگر اعضای گروه می‌گوید: «هر ماه دور هم جمع می‌شویم و دسته‌جمعی غذایی تدارک می‌بینیم. اگر هم فرصت بخت‌بیز نداشته باشیم، از بیرون تهیه می‌کنیم. البته جز غذا، ماهانه مواد غذایی مورد نیاز را برای خانواده‌های نیازمند منطقه یا حتی اطراف تهران تهیه می‌کنیم. شاید باورش سخت باشد که در همسایگی ما خانواده‌هایی هستند که نمی‌توانند یک وعده غذای گرم تهیه کنند. همین که با قدمی هر چند کوچک باعث شادی و رضایت همسایه یا فرد نیازمندی می‌شوم، حالم خیلی خوب می‌شود.»



صفای باطن

«جواد فر دانش» در ۲۰ دی‌ماه ۱۳۸۶، در ۹۲سالگی، به‌علت کپهولت سن درگذشت. اهالی جوادیه بر جنازه‌اش در مسجد فر دانش نماز کردند و او را در بهشت زهرا (س) به خاک سپردند و از آن سال به بعد با شاخه‌ای گل و فاتحه‌ها او یاد می‌کنند؛ قطعه ۲۳۵، ردیف ۲۲ شماره یک نشانی مزار مردی است که نخستین خشت‌های جوادیه را با سخاوت و بخشش روی هم گذاشت و در نهایت با دست‌هایی کاملاً خالی زندگی را بدرود گفت.

